



## جایگاه مهمان و آداب مهمان‌نوازی در پَسوجان سیرجان

عزیزالله ایران‌نژاد

وارد خانه شود. با صرف نظر کردن از سایر آداب مهمان‌نوازی که در اکثر شهرها معمول و مرسوم است، مواردی را برمی‌شماریم که شاید ویژه این منطقه، به‌ویژه شهر «سیرجان» و روستای «پسوجان» باشد. اگر مهمان بخواهد وارد خانه‌ای شود، اگر در خانه باز بود (چون در گذشته در خانه‌ها قفل‌وبست کنونی را نداشت و اغلب باز بود)، مرد خانه را با صدای بلند می‌خواند. اگر مرد در خانه نبود، نام پسر بزرگ خانه را می‌بُرد و با اندکی درنگ، وارد خانه می‌شد. امروزه آن نام بردن‌ها به «یا الله» تبدیل شده است؛ البته اگر مهمان از اقوام و آشنایان باشد. اگر در خانه بسته باشد، مهمان هر کسی که باشد، در را با دستگیره در کوب به صدا درمی‌آورد و یا زنگ خانه را می‌زند و منتظر می‌ماند. وقتی از داخل خانه گفتند: «کیه؟»، مهمان می‌گوید: «های صاب‌خون، مهمون دوست دارین؟» صاحبخانه چه صدا را بشناسد و چه نشناسد، می‌گوید: «قدم مهمون وَر چشم؛ چی از مهمون

در سیرجان و آبادی‌های اطراف، مانند سایر شهرها و روستاهای کشورمان ایران، مقدم مهمان را بسیار عزیز می‌دارند و مهمان را حبیب خدا می‌دانند و می‌گویند: «روزی مهمان جلوتر از خودش به خانه می‌آید». در دیار ما معمولاً مهمان و مهمانی را بر سه دسته تقسیم و به‌فراخور آن، پذیرایی می‌کنند:

۱. میزبان از اقوام و دوستان خود دعوت می‌کند که برای شام یا ناهار به خانه او بروند. در این نوع مهمانی صاحبخانه یا میزبان تدارک همه چیز را از قبل می‌بیند.
۲. مهمان فردی است از اقوام و آشنایان که به سبب کار، مسافرت و یا دیدار، بدون دعوت وارد شده است.
۳. فردی غریب، راه‌گذر و یا درراه‌مانده است که به آبادی وارد شده و موقعیت ایجاب می‌کند که جهت رفع نیاز خود در زمینه خوراک و محل استراحت در خانه‌ای را بزند.

اکثر مردم این منطقه مهمان‌نوازی را بیشتر در دو مورد آخر می‌دانند و «حبیب خدا» به مهمانی گفته می‌شود که سرزده و در حالی که انتظار آن را نداشته‌اند،

در سیرجان و آبادی‌های اطراف، مانند سایر شهرها و روستاهای کشورمان ایران، مقدم مهمان را بسیار عزیز می‌دارند و مهمان را حییب خدا می‌دانند و می‌گویند: «روزی مهمان جلوتر از خودش به خانه می‌آید».

بهتر؟» مهمان هم جواب می‌دهد:

«خدا نگهدار چشمتون.»

بعد از باز شدن در، مهمان و میزبان با هم احوال‌پرسی یا به قول اهالی «حال و کار» می‌کنند. طرفین با این گونه جملات از سلامت خانواده و زندگی هم مطلع می‌شوند. وقتی دو طرف همدیگر را رودرو دیدند، کوچک‌تر به بزرگ‌تر سلام می‌کند و بزرگ‌تر سلام می‌گوید.

**میزبان:**

چطورین؟

سلامتین؟

غم و باکی ندارین؟

چطورن متعلقون؟

چطورن فرزندون؟

چه عجب!

نه بابا؛ خیلی عجبه!

خیلی خیلی خوش اومدین.

باد آمده، گل آورده،

چطور شد این طرفا؟

**مهمان:**

الحمد لله

سلامت باشین.

بی‌غم و باک باشین.

سلام و دعا می‌رسونن.

دست بوسن.

از ما عجبی نیست.

ما که نمی‌زاریم ردامون کور بشه.<sup>۱</sup>

خوشی به عمرتون.

گل باشین.

**میزبان:**

نکنه نوناتون خرّمی<sup>۲</sup> [xorremi] بودن که سرتون

ورگشت افتاده؟

(نکنند در نان شما گیاه خرّمی بوده که سر شما گسیج

خورده و این طرف آمدید؟)

**مهمان:**

...ای بابا، ما که همیشه اسباب زحمتیم؛ یک چیزی

از خودتون بگین که سالی، ماهی، سکندری<sup>۳</sup>

[sekandari] یادی از فقیرون نمی‌کنید و نمی‌پرسید که

ما قوم و خویشی هم اون دوردورا داریم. بریم ببینیم، زده

(زنده)،؟ مرده؟ هست؟ نیست!؟

اگر یکی از طرفین، فرزندی، برادری و یا آشنای

نزدیکی در سفر یا سربازی داشته باشد، دیگری جویایی

حال او هم می‌شود و می‌پرسد:

۱. ردامون کور بشه: اثرمان پاک و محو بشود.

۲. نوعی گیاهی که در مزرعه گندم می‌روید و اگر بذر آن با گندم

مخلوط شود و مقدار آن زیاد باشد، موجب سرگیجه کسانی می‌شود که

از نان آن گندم خورده‌اند.

۳. سکندری: یک قرنی

– فلانی چطوره؟ خط‌خبری<sup>۱</sup>، عطری<sup>۲</sup>، ازش دارین؟  
– الحمد لله سلامتتون رسونده.

– سلام‌رسون سلامت باشه. مرحمت شما زیاد.

– سی<sup>۳</sup> شما کم نشه، خدا نگهدار شما.

– قربون قدماتون. قدم ور چشم. خدا حافظ شما باشه.

در گذشته به محض ورود مهمان، خانم خانه فوری آب و جارویی می‌کرد، فرش از قالیچه‌های محلی پهن و مهمان را دعوت به نشستن می‌نمود.

اگر ورود مهمان پیش از ظهر و یا کمی بعد از تاریخ شدن هوا باشد، مرد میزبان خطاب به همسرش می‌گوید:

«زود، آتشی، الویی [aloyi] بکن». یعنی اجاق را روشن و برای مهمان چای و غذایی مهیا کن. اگر مهمان غذا خورده باشد، از آنها می‌خواهد که به اجاق دست نزنند. میزبان می‌گوید: «آخر دم صبح (یا نزدیک ظهر) است؛ هنوز نونی، ناشتایی نخوردین؟» مهمان در جواب می‌گوید: «خدا نون از سفره تون کم نکنه. نه، همه‌چی خوردم؛ حالا اگر یک پیاله چای باشه، می‌خورم».

مردم این روستا هم مثل بقیه افراد کشورمان، جا، فرش، رختخواب، غذا و میوه خوب را برای مهمان در نظر می‌گیرند تا به‌نحو شایسته‌ای از او پذیرایی کنند.

وقتی سفره پهن می‌شود، مهمان به‌احترام افراد خانواده، تا همه نیابند سر سفره بنشینند؛ شروع به خوردن غذا نمی‌کند. وقتی همه آمدند با یاد و نام خدا اولین لقمه

۱. خط‌خبری: [xatxabari]: نامه.

۲. عطر [atar]: اطلاع و نشانه.

۳. سی [si]: سایه.

را او برمی‌دارد.

در زمان گذشته بعضی‌ها غذا خوردن افراد کوچک‌تر و یا مهمان را بعد از سیر شدن و کنار رفتن بزرگ‌ترها یا صاحب‌خانه، خارج از ادب می‌دانستند و هنوز هم این رسم کم و بیش رواج دارد.

اگر در سر سفره‌ای بزرگ‌تر، ریش‌سفید از غذا خوردن دست بکشد، کوچک‌ترها نیز کنار می‌روند. اگر مهمان هم بعد از صاحب‌خانه به غذا خوردن ادامه دهد، چندان مناسب نیست؛ بنابراین صاحب‌خانه برای اینکه مهمانش کاملاً سیر شود و از خوردن غذا لذت ببرد، تا آخرین لحظه در کنار سفره می‌نشیند و اگر هم سیر شده باشد، نشان نمی‌دهد و به‌قول مردم: «دستش را بیار و ببر می‌کند» و دهانش را با کمی غذا می‌جنباند تا مهمان یا افراد دیگر، غذا را به‌آسودگی تا سیر شدن کامل میل کنند.

وقتی مهمان سیر شود و دست از غذا بکشد میزبان باز هم با جملاتی از این قبیل تعارف می‌کند:

– ای بفرمایید میل کنین.

– شما که چیزی نخوردین.

– معذور بدارید اگر قاتق کم بود.

– نون ور دارید کوله‌پشیتو [kulepoštu] کنید<sup>۴</sup>.

– ای بابا، شما توی خانه خودتون هم همین قدر می‌خورید؟!

ای بابا، اگه شما همین قدر غذا میل کنید، سال دیگه‌ای می (باید) برین مکه.

شما را به خدا بخورید.

شما را به همین نمک بخورین.

۴. کوله‌پشتو: نان ترید شده در ظرف غذا را با نان سفره خوردن.

شما را به همین سفره مرتضی علی(ع) بخورین و سیر بشین.

– ای بابا، یه پرکه<sup>۱</sup> نونی هم نخوردین.  
 – اول سفره یک سراسکسته<sup>۲</sup> نونی بوده، همه اش که مونده.

– شما که هیچی میل نکردید؛ نکنه خونه خودتون غذا خورده بودید؟

– این لک<sup>۳</sup> نون تعارف نداره.  
 – بخورید، منظورمون نکنین، این لک نون فقیرمون نمی‌کنه.

– گناه داره آدم از سر سفره گشنه بلند بشه؛ اگه سیر نشده باشین، گناهش گردن خودتون.

بعضی‌ها در موقع تعارف در سر سفره ممکن است این مثل را هم به کار ببرند: «یک ایشکم دو منت نمی‌شه».

یعنی با یک شکم در دو جا نمی‌شود غذا خورد که دو صاحبخانه منت بر شما بگذارند که به شما غذا داده‌اند و کنایه از کم خوردن مهمان است.

مهمان نیز در جواب صاحبخانه از این اصطلاحات استفاده می‌کند:

– خدا نون از سفره‌تون کم نکنه.  
 – خدا کنه سیر عمر و سیررزق و روزی باشین.  
 – خدا کنه سفره‌تون همیشه پهن باشه.  
 – خدا کنه همیشه تندرست و سالم باشین و در

۱. پرکه [parke]: کم، نیمه.  
 ۲. سراسکسته: سرشکسته، نانی که قسمتی از آن جدا شده باشد.  
 ۳. لک [lek]: کمتر از نیم چارک.

خونه‌تون باز باشه.  
 – ان شاء الله سفره عیش آ(آقا)پسرها، گل دخترار پهن کنین.

– ما که کم خوراکی نکردیم؛ چیزی باقی نمونده.  
 در پایان، بین صاحب سفره و مهمان این جملات رد و بدل می‌شود:

تعارف به مهمان هنگام پذیرایی با میوه و تنقلات:  
 – کو<sup>۴</sup> بفرمایید از میوه‌های مایه خجالتی ما بخورین.  
 – چرا نمی‌خورین.

– بابا اینها را نیاوردیم نگاهشون کنین.  
 – کو بفرمایین یک بروش<sup>۵</sup> خیاری بخورین.  
 – اینها خیار نیستن؛ کر کوین<sup>۶</sup>.

– اگر می‌خواین یک قاشقی بیاریم ته تراشو<sup>۷</sup> کنین.  
 – کو بخورین یک تلنکو<sup>۸</sup> انگوری.  
 – بفرمایید یک خروسو اناری، شما که هیچی

نخوردین.  
 – لاقل از این کال هندونه بخورین.  
 – این انارا شیرینن؛ یک پرک انار میل کنین.  
 – خدایا توبه، سغفار<sup>۹</sup> از کم خوراکی این مهمون.

۴. کو [ko]: از اصواتی که در لهجه محلی اول جملات می‌آید، معادل «خوب».

۵. بروش [boroš]: برش و قاچ میوه

۶. کرکو [karko]: خیار نارس

۷. ته تراشو [taterâšu]: داخل میوه را با چاقو یا قاشق تراش دادن و جدا کردن تا نزدیک پوست.

۸. تلنکو [telenku]: بخش کوچکی از یک خوشه انگور که چند حبه دارد.

۹. سغفار [saqfâr]: توبه، استغفار.

– کو یکی از گلیسکوها<sup>۱</sup> وردارین بخورین.  
 – بخورین نمک گیر نمی‌شین. والله ما تو اینسا نمک  
 نکردیم.  
 – نترسین ما خونه تون نمی‌آییم. چیزی نمی‌خورین  
 که خونه تون نیاییم؟  
 – کو بفرمایید یک کپه‌ای<sup>۲</sup> از این کوفتنی‌ها<sup>۳</sup>  
 بخورین.  
 – بفرمایید یک قاشقی از قهوه‌ها که چیزی بیش از  
 آرد نیست بخورید.  
 – یک زره آرد نخودی تعارف نداره.  
 – بفرمایید از نقل و پپرمه<sup>۴</sup> چشم بازار بخورین،  
 دهنتون رو شیرین کنین.  
 – بفرمایید یک دونه پپرمه‌ای بندازین توی دهنتون  
 مجمجو<sup>۵</sup> بکنین.  
 – اگر دندون ندارین، یک دونه پپرمه می‌شه مکمکو<sup>۶</sup>  
 کرد.  
 – چرا از این تخم‌های شیطونو<sup>۷</sup> نمی‌شکنین؟  
 – اینها که دیگه اشکم پر کن نیستند؛ مشغول بشین.  
 مهمان نیز در جواب می‌گوید:  
 – ببخشید، ما که کوتاهی نکردیم و چیزی برای نگاه

کردن نگذاشتیم.  
 – خدا کنه از سر منزل کم نشین.  
 – ما که به نمک شما بزرگ شدیم.  
 – شما که خونه فقیرون هیچ وقت نمی‌آیید.  
 – صاحبش قابل عالم داره.  
 – خدا نون از سفره تون کم نکنه.  
 هم‌چنین کسی که می‌خواهد مهمانی را به خانه  
 دعوت کند، این گونه تعارف می‌گوید:  
 بفرمایید بریم آبادی، نونی، قاری، قاتقی بخوریم،  
 یک پیاله چای یک کفته آب خنکی نوش کنید.  
 هم‌چنین اگر کشاورزان مشغول کار باشند و مسافری  
 غریب به آنها برسد، این گونه به او تعارف می‌کنند:  
 – خوش آمدی؛ خدا عمرت بده.  
 – نخستی [naxasti] (خسته نباشید).  
 – مشتی (مشهدی)، فرصت.  
 – کجا خدا بخواد؟ از کجا میایی؟  
 – کجا رفته بودی؟  
 – دوروقته؛ راه را نزدیک کنید.  
 – دوروقته؛ تا نکنید.<sup>۸</sup>  
 – چه امر واجبی است که در این هوای تلخ و تسولخ<sup>۹</sup>  
 تا کنی؟

۱. گلیسکو [golisko]: انار یا هندوانه کوچک.
۲. کپ [kap]: کفه، مقداری خوردنی به صورت آرد که در کف دست  
 بریزند و به دهان ببرند.
۳. کوبیدنی‌ها.
۴. پپرمه [peperme]: نام آب‌نبات و نقل مثلثی‌شکل و رنگی بازاری.
۵. مجمجو [mejmeju]: مزه‌مزه کردن.
۶. مکمکو [mokmoku]: مکیدن آرام.
۷. تخم هندوانه.

۸. ادامه راه ندهید.
۹. تلخ‌وتولخ [talxotulax]: هوای نامناسب برفی و بارانی.
۱۰. هوا بارانی است و آب جاری شده.

– خدا قوت بده.

– خسته دل نباشید.

– فرصت از خدا.

– رفته بودم ور [vare] همی آبادی پایین.

– از سر منزل کم نشی.

– خانه شما دولت سرایه.

– می‌خوام برم مال حالووا ولو دلوون.

mixâm beram mâl hâlova velo delovan

(برای جمع کردن دام‌ها می‌روم؛ بدون سرپرست

ویلان شده‌اند.)

بالت رنگین می‌کنم

چنگت شیرین می‌کنم

خیرت خبر، خیرت خبر

اگر فلانی از سفر بیاد؟

یک کِر [kerr] ادیگه‌ای بکن و فر [ferr] کن برو

– اگر آن پرنده بعد جیک جیک پرواز کند و برود

باور دارند که مهمان و مسافر مورد نظرشان خواهد آمد.

– اگر گنجشکی به نام «چقوت سیدو» [čequte]

seyyedu یا «وادالیسکو» [ovâdâlisko] به خانه‌ای

بیاید و آواز بخواند (جیک جیک کند)، معتقدند که

علامت و نشانه رسیدن مهمان است.

– وقتی از قوری چای در فنجان و استکان می‌ریزند

اگر پری از تفاله چای یا پفتال [paftâl] روی چای قرار

گیرد، می‌گویند مهمانی به خانه آنها خواهد آمد. اگر

پفتال روی چای در چرخش باشد و بماند، معتقدند

مهمانی عجله دارد و زود خواهد رسید. اگر پفتال بعد از

مدتی به ته استکان برود، می‌گویند مهمانی که خواهد

آمد، ماندنی و عزیز است و زود نخواهد رفت.

– اگر کودکی که خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد

«دروازه»، باز کند یعنی دو دست‌ها و پاهایش خم شود،

مهمان خواهد آمد.

– اگر در موقع درآوردن کفش، لنگه کفش روی

لنگه دیگر قرار بگیرد (سوار شود)، باور دارند که مهمان

برای آنها می‌رسد.

## باورها

### پیش‌بینی و تفأل

– اگر کودکی خودسرانه خانه و حیاط را جارو کند،

می‌گویند مهمان در راه است.

– اگر در موقع خمیر درست کردن تکه خمیر از

لگن به بیرون پرت شود، می‌گویند مهمانی از همان

سمت برای آنها می‌رسد.

– اگر مرغی بال بیندازد (بخوابد و بال خود را باز

کند)، نشانه آمدن مهمان است.

– اگر کلاغ جیک (کلاغ کوچک با پرهای سیاه و

سفید و دمی نسبتاً بلند) نزدیک خانه بخوابد (جیک جیک

کند)، خبر از رسیدن مهمان می‌دهد.

– اگر مدتی چشم‌انتظار مهمان و مسافر باشند، برای

پرنده می‌خوانند:

کلاجیکو دُم باریکو

خیرت خبر خیرت خبر

### ضرب‌المثل‌ها و زبان‌زدها

«تو خونه هر چه باشه، مهمان هر که باشه.»

این مثل را در موقع عذرخواهی از مهمان به کار



می‌برند.

«مهمونی به‌زور نمی‌شه؛ دوستی با چوب و کتک».

«دوست دارید قدمتون روی چشم، دوست ندارید

بالای چشم».

«مهمون یک روز دو روز».

«اگر مهمون یکی بود، صاحبخانه گاو (گاو)

می‌کشت».

«مهمونی یا مهمون یک روز دو روز، با یکی دو

روز که همیشه از سال در اومد».

این مثل برای کسی گفته می‌شود که عاقبت‌اندیش

نباشد و هر چند روز به آبادی و خانه اقوام برود و

بخواهد به نحوی روزگار را بگذراند.

به کسانی که مدت طولانی در خانه میزبان می‌مانند،

می‌گویند: «فلانی کنگر خورده، لنگر انداخته».

«مهمان حبیب خداست».

«ما یک روز مهمونیم و صد سال دعاگو».

«مهمون از مهمون بدش میاد، صاحبخانه از هردو».

«مهمون بی‌وقت از کیسه می‌خوره».

وقتی بزرگ‌تر به خانه یکی از اقوام می‌رود و بعد

سایر افراد خانواده یکی‌یکی به آنجا می‌روند و مهمان

می‌شوند، به مزاح و شوخی درباره این مهمان ناخوانده

می‌گویند:

«چه خبره یکی‌یکی دنبال من راه افتادید؟ خوب

لحاف کهنه‌مون رو هم می‌آوردید».

به افراد خسیس می‌گویند:

«اگر بعضی‌ها نون کورند (نان خالی هم به مهمان

نمی‌دهند)، تو آب کوری».

«یک آدم سیرهمسر (معادل) هفتا گشنه نون

می‌خوره».

این مثل در موقع تعارف به کسی که ابراز می‌کند

سیر است و غذا نمی‌خورد، به کار می‌رود.

### مهمان و مهمانی در شعر (شرمه) [šarme]

شب و نیم‌شب که مهمون شمایم

بیارین قند و چایی از برایم

ترشروی می‌کن و روی مهمون

خدا دونه که فرداشو کجایم

\*\*\*

بزن نی زن رفیق باوفایم

که مهمون عزیز آید برایم

بخون ای نازنین یار عزیزم

بنال ای نی امشو از برایم

\*\*\*

به توی باغ باغبانی کنم من

به چوب نار چوپونی کنم من

بگیرم بره‌ای از میش گوزل<sup>۱</sup>

کشم من یار، مهمونی کنم من (به پیش یار قربونی کنم من)

\*\*\*

به کوه لار چوپونی کنم من

که دلبر آید مهمونی کنم من

بگیرم قوچی از سردار قوچون

به پیش پاش قربونی کنم من

۱. [gowzal]: میش سفید.